

## علل تهاجم و توقف اولیه عراق: بررسی نظریه‌های موجود

نویسنده: محمد درودیان

### چکیده

تحقق پیروزی عراق در جنگ هشت ساله علیه ایران می‌توانست نه تنها جغرافیای سیاسی منطقه بلکه نظام اسلامی ایران را در معرض خطر قرار دهد. سؤال اصلی این مقاله این است که عواملی که منجر به ناکامی عراق در جنگ شد چیست؟ در پاسخ نظریه‌های مختلفی از جمله نظریه اسیران عراقی، رژیم عراق، کارشناسان و محققان و نظریه سپاه مطرح شده است. نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند، از مهمترین مسائلی که منجر به شکست صدام شد می‌توان از محاسبات استراتژیک غلط و آرزوهای محال و برخوردار نبودن از عمق استراتژیک، ترکیب سنی - شیعه در ارتش و عدم آموزش کافی ارتش صدام نام برد.



### مقدمه

تحقق پیروزی عراق در تهاجم غافلگیرانه به ایران در تاریخ ۳۱ شهریور سال ۵۹، علاوه بر تغییر جغرافیای سیاسی منطقه در عین حال می‌توانست حیات و بقای نظام انقلابی حاکم بر ایران را دچار چالش‌های جدی و سرنوشت‌ساز، کند. برپایه این ملاحظه کلی و اهمیت شکست عراق این پرسش اساسی مطرح است که چه عامل یا سلسله عواملی منجر به ناکامی و شکست عراق شد؟

مقدمه تهاجم عراق به ایران در وضعیتی سازماندهی و اجرا شد که علاوه بر شرایط منطقه و بین‌المللی، توازن نظامی نیز کاملاً به سود عراق بود. عراقیها بر پایه اطلاعات دریافتی از سوی عناصر فراری از ایران، بویژه عناصر ضد انقلابی ارتش که با کودتای نوزده به عراق

متواری شده بودند و همچنین اطلاعات امریکا و عربستان از وضعیت نابسامان سیاسی - نظامی و اقتصادی ایران برای تهاجم به این کشور به این تصمیم رسیدند. طارق عزیز در همان ایام طی مقاله‌ای در مجله‌الوطن اوضاع داخلی ایران را چنین ارزیابی می‌کند:

«نشانه‌های برجسته اوضاع ایران که در سایه این حکمفرمایان می‌گذرد چنین است:

۱- تشتت نیروهای نظامی

۲- (تعدد) مراکز تصمیم‌گیری و وجود اختلاف میان رهبران سیاسی و مذهبی که هرکدام از آنها اتهاماتی به یکدیگر نسبت می‌دهند.

۳- کشمکشهایی میان اقلیتها و رهبران حاکم و عدم توانایی حل مشکلات آنها

۴- وجود هرج و مرج و ناامنی

۵- توقف کارخانه‌های تولیدی، تزلزل اقتصادی، افزایش اشخاص بیکار

و نبودن بسیاری از مواد غذایی در بازار

۶- آشفتگی در روابط ایران با کشورهای منطقه و جهان<sup>۱</sup>

بر اساس این تحلیل «بی‌ثباتی سیاسی» حاصل از پیروزی انقلاب با توسعه مناقشات سیاسی در رأس هرم قدرت و «بحران امنیتی» ناشی از معارضة جویی نیروهای ضد انقلاب، امکان تصمیم‌گیری قاطعانه و منسجم، برای حل و فصل مسائل اساسی بویژه بحرانهای امنیتی را از میان برده، و عملاً «سیستم سیاسی- امنیتی کشور فلج شده بود. از نظر وضعیت اقتصادی، سیر تولید متوقف، و نابسامان بود؛ ضمن اینکه روابط خارجی ایران هم، به دلیل تأثیرات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در معارضة جویی با قدرتهای استکباری بر پایه شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی»، در برابر چالشهای عمیق و بنیادین قرار داشت. عراقیها با درکی که از این وضعیت داشتند و به منظور ارزیابی میزان صحت آن، ۶ ماه (از فروردین تا شهریور سال ۵۹) با تحریکات و تجاوزهای مرزی و موضعگیریهای سیاسی همراه با تبلیغات و جنگ روانی قابلیت و میزان توانایی سیستم سیاسی ایران را برای «تصمیم‌گیری»، توان و کارایی

---

۱- مجله‌الوطن - ۱۵ مه ۱۹۸۰ - اردیبهشت ۵۹ - کتاب از خونین‌شهر تا خرمشهر - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

نظامی ایران را برای «مقابله» در معرض آزمون قرار دادند و پس از کسب اطمینان لازم نسبت به «تضمین کسب پیروزی» با اتکا بر توان نظامی و با برخورداری از حمایت سیاسی- تبلیغاتی قدرتهای بین‌المللی و کشورهای منطقه- طرح تجاوز به ایران را به اجرا گذاردند. عراقیها برخلاف تصورات اولیه برای کسب پیروزی «آسان و سریع»، در یک جنگ سه روزه تا یک هفته‌ای در نخستین گامهای تجاوز با دشواریها و مشکلات اساسی روبرو شدند.<sup>۱</sup> پیدایش این وضعیت به منزله نشانه‌های شکست عراق و فرورفتن در باتلاق بود. با این توصیف با فرض صحت محاسبات و ارزیابی عراق از تمام عوامل موثر در کسب پیروزی برپایه «تصمیم عقلایی»، پاسخ به سؤال علل شکست و ناکامی دشمن تا اندازه‌ای دشوار می‌شود زیرا علل ناکامی عراق را باید در پیدایش عوامل جدیدی جستجو کرد که به تغییر معادلات و در نتیجه مخدوش شدن محاسبات عراق منجر شد؛ به عبارت دیگر در وضعیتی که عراق تمام عوامل را در معادلات سیاسی و نظامی به سود خود ارزیابی می‌کرد، نقطه ثقل تحولات و عوامل مؤثر در فراهم سازی مقدمات ناکامی و شکست عراق چه بود؟ علی‌رغم اهمیت این موضوع تاکنون به دلایل مختلفی از جمله پیچیدگی و گستردگی مسائل سیاسی- نظامی و اقتصادی جنگ در یک زمان هشت ساله، همچنین عدم انتشار اسناد متقن شامل چگونگی تصمیم‌گیری عراقیها و توافقات پنهانی که احتمالاً هنگام تهاجم عراق به ایران انجام گرفته و سایر عوامل، تحقیق جامع و مانع و منسجمی ارائه نشده است. حال با توجه به ضرورت انجام این مهم، هر چند به صورت اجمالی در این مقاله نظریات ارائه شده پیرامون سه موضوع شامل:

۱- زمینه‌ها و عوامل مؤثر در وقوع جنگ، ۲- اهداف عراق و ۳- علل شکست اولیه این کشور در تهاجم به ایران، بررسی خواهد شد. مباحث یادشده در این سه زمینه عمیقاً با یکدیگر پیوند دارند و این پیوستگی به عنوان ویژگی انسجام یک نظریه نیز می‌باشد؛ بدین معنا که تحلیل ارائه شده در مورد زمینه‌های وقوع جنگ، به نوعی اهداف عراق را توضیح می‌دهد و این

---

۱- روزنامه گاردین در مورد وضعیت دشوار عراق می‌نویسد: «امتناع پیش‌بینی نشده ایران از پذیرفتن آتش بس سازمان ملل متحد صدام را در موقعیت سختی قرار داده است. این موقعیت تا وقتی ایران به فعالیت‌های نظامی که دور از انتظار است، ادامه می‌دهد، سخت‌تر خواهد شد».

هدفها تا اندازه‌ای درک عراق از موازنه نظامی موجود و علت تصمیم‌گیری و چگونگی هدفگذاری آنها را تشریح می‌کند و در عین حال به منزله شاخصه ارزیابی شکست یا پیروزی عراق نیز هست.

با این ملاحظات کلی، نظریات ارائه شده به ترتیب زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱- نظریات رژیم عراق و اسیران عراقی

۲- نظریات ارتش و سپاه

۳- نظریات کارشناسان و محققان

بند ۳ با توجه به منابع موجود، که به زبان فارسی ترجمه شده است انجام می‌گیرد و امید است این مهم در فرصت مناسبتری با توجه به سایر منابع و به صورتی گسترده و تفصیلی، انجام پذیرد.

۱- نظریه رژیم عراق<sup>۱</sup>

صدام در آوریل سال ۱۹۸۰ (فروردین ۵۹) و پس از جهتگیری و شدت یافتن درگیری ایران و امریکا آمادگی خود را برای حل اختلافاتش با ایران با استفاده از زور اعلام کرده بود<sup>۲</sup>، لیکن بعدها و پس از ناکامی در توجیه و ارائه دلیل این اقدام و مشروعیت بخشیدن به آن<sup>۳</sup>، آمادگی ایران برای تهاجم همه جانبه به عراق را مورد تأکید قرار دادند: ارزشیابی بسیار دقیق شورای (رهبری) انقلاب در مورد وضع نظامی این بود که رژیم

---

۱- در اردیبهشت سال ۶۲ برای نخستین بار در نهمین کنگره حزب بعث گزارشی از روند تحولات جنگ ارائه شد که بعدها رادیو بغداد طی چند روز به انتشار آن مبادرت کرد. عراقیها پیش از این به دلیل وضعیت خاصی که در زمینه نظامی داشتند از ارائه هرگونه جمع‌بندی و توضیح خودداری می‌کردند. عدم دستیابی ایران به پیروزی چشمگیر و تعیین‌کننده یکی از عوامل موثر در اطمینان عراق نسبت به توانایی دفاعی این کشور و در نتیجه توضیح پیرامون روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ بود که در این قسمت به آن اشاره می‌شود.

۲- کتاب از خونین شهر تا خرمشهر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۲۰- مصاحبه صدام با خبرگزاریها

۳- جمشید ممتاز- مقاله: «مفهوم دفاع مشروع بازدارنده». کتاب بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع- جلد دوم سال ۶۸-

ایران خود را برای یک حمله همه جانبه از زمین و هوا به سرزمین و تأسیسات حیاتی عراق و پایگاه‌های نیروی هوایی عراق آماده می‌سازد»<sup>۱</sup> به همین دلیل عراقیها وقوع جنگ را اجتناب ناپذیر ارزیابی می‌کردند. «آیا امکان داشت که از شعله‌ور شدن جنگ خودداری کرد؟ بی‌گمان جواب این است که با کمال جدیت بگوییم خیر به هیچ وجه»<sup>۲</sup> عراقیها در توجیه علل شروع جنگ می‌گویند راه دیگری در برابر عراق وجود نداشت: «در برابر رهبران عراق تنها یک راه وجود داشت یا مقاومت و جلوگیری از تجاوزات دشمن و یا تسلیم شدن به برنامه‌های (امام) خمینی» براساس این تحلیل، به منظور «پیشگیری و اجتناب» از غافلگیری در برابر تهاجم همه جانبه ایران به سرزمین و تأسیسات حیاتی عراق، «شورای رهبری عراق تصمیم تاریخی خود را برای حمله همه جانبه به مراکز نظامی و اشغال مناطق معینی که بتواند هدفهای مورد نظر را تأمین کند، اتخاذ کرد».<sup>۳</sup>

عراقیها در چارچوب همین نگرش در نهمین کنگره حزب بعث، به این مسأله اشاره کردند که امریکاییها پیش‌بینی می‌کردند درگیر شدن ایران و عراق فرصت مناسبی را در اختیار امریکا قرار می‌دهد تا مجدداً موقعیت خود را در ایران به دست آورند؛ ضمن اینکه تضعیف عراق در یک جنگ فرسایشی و طولانی با هدف بازداشتن عراق از فعالیت و تأثیر در سیاستهای منطقه طرحریزی و انجام گرفت.<sup>۴</sup> برابر تحلیل ارائه شده در این کنگره، عراقیها برای توجیه ناکامی اولیه خود در دستیابی به اهدافشان بر خلاف ارزیابیهای اولیه، که وضعیت سیاسی نظامی ایران را نامطلوب و از هم گسیخته می‌دانستند، برتری ایران را از جهت ادوات و امور فنی در نیروهای هوایی و دریایی بر عراق، مورد تأکید قرار دادند.<sup>۵</sup>

همچنین عراقیها برخلاف تحلیل‌های پیشین مبنی بر ضرورت آمادگی و اجرای جنگ همه جانبه علیه ایران با هدف پیشگیری از تهاجم ایران در جای دیگری ایران را مسئول «شعله‌ور نمودن یک جنگ همه جانبه» قلمداد کردند و معتقدند سخنرانی صدام در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰

۱- مشروح گزارش نهمین کنگره حزب بعث رژیم عراق درباره جنگ تحمیلی - شنبه ۶۲/۲/۲۴- رادیو بغداد

۲- همان

۳- همان

۴- همان

۵- همان

بر محدود نمودن زدوخوردهای نظامی» و «استرداد حق تاریخی عراق در شط‌العرب» تاکید داشته است.<sup>۱</sup>

تاثیر نامطلوب ناکامیهای اولیه عراق و سپس فرار نیروهای عراقی از ایران پس از فتح خرمشهر، به کاهش موقعیت صدام حسین و تاکید بر اشتباهات اساسی وی در تهاجم به ایران منجر شد و به همین دلیل در نهمین کنگره حزب بعث، علاوه بر اشاره به نقش صدام در «فرماندهی کل نیروهای مسلح و حزب و دولت» و مشارکت وی در «بیشتر نبردهای مهم» و طرحریزی یا تغییر در طرحهای ارائه شده، برای تشریح مشارکت دیگران در پیدایش وضعیت موجود، و نقش آنها در تصمیم‌گیری فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق آمده است: «در تصمیمات مذکور هر یک از اعضای رهبری و مسئولان دولت با هر کدام از این مسائل ارتباط داشت، در بررسی مسائل مذکور شرکت می‌جست و همکاری میکرد و پس از هر نبرد، یک بررسی کامل از آن صورت می‌گرفت، همچنین از تجارب آن بهره‌برداری می‌شد و تجارب نامبرده به تمام فرماندهیها و یگانها برای بهره‌برداری از آن ابلاغ می‌گردید»<sup>۲</sup>

در ادامه همین تحلیل از روش فرماندهی<sup>۳</sup> کل به عنوان یک «روش دمکراتیک» نام برده شده است. چنانکه اشاره شد این اظهارات که از رادیو بغداد نیز پخش شد، هیچ مفهومی نداشت جز سهیم کردن دیگران در شکستهایی که مسئولیت آن با صدام بود. تأکید کارشناسان نظامی نسبت به اشتباهات تاکتیکی و استراتژیک صدام، بعنوان عوامل مؤثر در شکست اولیه این کشور و همچنین ظهور عوامل جدید محاسبه نشده در صحنه و تغییر معادلات به زیان عراق که به غافلگیری این کشور منجر شد، سبب گردید در تحلیل آرایه شده از سوی کنگره حزب بعث، بر نفی هرگونه شائبه‌ای مبنی بر غافلگیری رهبری عراق تاکید شود:

«طبق برنامه طرحریزی شده در تمام کارزارها و برخوردهایی که روی داد هرگز رهبری عراق غافلگیر نشد؛ به گونه‌ای که غافلگیری بتواند در وضع استراتژی در

۱- مشروح گزارش نهمین کنگره حزب بعث رژیم عراق درباره جنگ تحمیلی - شنبه ۶۲/۲/۲۴ - رایو بغداد

۳- همان

۲- همان

میدانهای نبرد مسائلی را پیش بیاورد که تصورش نشده و یا پیش‌بینی نشده باشد همیشه صدام حسین خود طرحهای سیاسی و نظامی را پی‌ریزی کرده و مسائل مورد لزوم را بر مبنای بدترین احتمالات بررسی و معامله کرده است.<sup>۱</sup> همانگونه که از این تحلیلها مشخص است هیچگونه توضیح مشخصی در مورد مسائل اساسی جنگ از جمله عوامل موثر در ناکامیهای اولیه عراق از سوی مسئولان و یا مراکز و مراجع ذیربط داده نمی‌شود به همین دلیل تنها با تکیه بر تحلیل می‌توان برخی از مسائل را استنتاج کرد.

## ۲- نظریه اسیران عراقی<sup>۲</sup>

اسیران عراقی برخلاف تحلیل‌های رسمی و مبهم، که از سوی رژیم عراق ارائه شده است، به دلیل خروج از سیستم عراق و تأثیرپذیری از وضعیت ایران، مسائل را به گونه‌ای کاملاً متفاوت، تجزیه و تحلیل کرده‌اند که در اینجا به آن اشاره می‌شود. پیگیری وضعیت نظامی ایران و تحولات آن از سوی رهبران عراق و دریافت اطلاعات بسیار دقیق از وضعیت نظامی ایران از طریق عربستان سعودی و امریکا و همچنین برخی از سفارتخانه‌های خارجی و از طریق افراد سیاسی و نظامی که به عراق فرار کرده بودند، تصمیم‌گیری رهبران بر تهاجم به ایران را شکل داد و تسهیل کرد.<sup>۳</sup>

رهبران عراق برای حمله به ایران علاوه بر «نگرانی از ناحیه نیروی هوایی ایران» نسبت به «افزایش حجم سازماندهی سپاه پاسداران و تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی از سوی امام»، نگران و مضطرب بودند<sup>۴</sup> و به همین دلیل قبل از شکل‌گیری ارتش

---

۱- همان

۲- مجموعه‌ای از اسرای عراقی که در مناطق مختلف حضور داشته‌اند پس از اسارت‌گزارشی را تهیه کرده‌اند که از سوی معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه ترجمه در اینجا مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

۳- تحلیل نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان- نوشته اسرای عراقی- ترجمه معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه

۴- همان

انقلابی<sup>۱</sup> و افزایش قدرت بازدارندگی ایران، بلافاصله پس از شکست کودتای نوژه بلافاصله، مقدمات آغاز تهاجم به ایران را فراهم کردند. اندیشه این طرح و نقشه آن نزد فرماندهی کل موجود بود و فرماندهان واحدها از آن اطلاع نداشتند و دستورها به صورت نظامی و برطبق نیازها،<sup>۲</sup> صادر می شد. به همین دلیل «برای فرمانده عملیاتی که فرمان حمله یا پیشروی در منطقه‌ای به وی داده می شد از قبل درباره آن هیچ بحثی با وی نشده بود».

در ماه سپتامبر ۱۹۸۰ تا روز ۱۹۸۰/۹/۲۲ رویداد به گونه‌ای مدون و برنامه‌ریزی شده صورت گرفت. رهبران عراقی خواستند از عکس العمل ایران در برابر بعضی از رویدادها قبل از اقدام به عملیات نظامی گسترده مطلع گردند.<sup>۳</sup> تصرف برخی از پاسگاه‌های مرزی در همین زمان انجام گرفت. وقتی ایران هیچگونه عکس العمل قابل ذکری از خود نشان نداد، رهبران عراق مطمئن شدند در صورتی که نیروهای عراق وارد ایران شوند، ایران قادر به هیچگونه عکس العمل قاطع نخواهد بود.<sup>۴</sup>

در حالی که تمام عوامل و زمینه‌ها موفقیت عراق برای دستیابی به پیروزی را تضمین می کرد چرا عراق ناکام شد؟ اسیران عراقی در ارزیابی علل ناکامی عراق به مسائل متعددی اشاره می کنند که تنها به بخشی از آنها اشاره می شود.

۱) عدم ارزیابی صحیح نسبت به توان ارتش عراق از طرف فرماندهی «فرماندهی برای عقیده بود که ارتش عراق به بالاترین مرحله آموزش رسیده و اینکه اکثر واحدهای آن، آماده به انجام سخت ترین مأموریت‌های رزمی است. برای فرماندهی این تصور نبود که یک لشکر زرهی مکانیزه را یک گروهان تانک و یک گروهان پیاده مجهز به اسلحه ضد تانک متوقف نماید. می بینیم که صدام وقتی در خواست آتش بس را در روز ۱۹۸۰/۱۰/۲۸ ابراز کرد کاملاً متقاعد شده بود که ارتش عراق توانایی

۱- نگاه کنید به مقالات و سخنرانیهای ارائه شده در همایش «تولد ارتش انقلابی در رزم» دانشگاه امام حسین(ع)- پژوهشکده علوم دفاعی- استراتژیک- خرداد ۱۳۷۵ و روزنامه اطلاعات ضمیمه ۷۵/۷/۷ خلاصه مقالات همایش «تولد ارتش انقلابی در رزم» از سوی معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه ترجمه و در اینجا مورد بهره‌برداری قرار گرفته

۴- همان

۳- همان

۲- همان

است.



انجام وظیفه خود را ندارد.»<sup>۱</sup>

(۲) عدم توجیه فرماندهان

«لازم بود که کنفرانسهایی برای توضیح مقاصد ضد سیاسی رهبری عراق تشکیل شود که در آن فرماندهان دیگر سپاه‌ها حضور داشته باشند، این مسأله هرگز انجام نشد». به همین دلیل فرماندهان عملیات در بیشتر محورهای جنگ، سرگردان شده و نمی‌دانستند چه کاری باید انجام دهند؛ به عنوان مثال فرمانده تیپ ۲۴ مکانیزه دائم از ساکنان غیر نظامی، محور منتهی به دزفول را جویا می‌شد!<sup>۲</sup> این مشکل در سایر محورها نیز قابل مشاهده بود.

(۳) عدم دقت در اطلاعات ارسالی برای واحدها

«بیشتر اطلاعاتی که در اختیار واحدها قرار می‌گرفت نادرست بود؛ علاوه بر آن این واحدها فاقد شناسایی دقیق بودند.»<sup>۳</sup>

(۴) ارزیابی غلط نسبت به میزان مقاومتها

«اطلاعات داده شده از مقاومتها قابل پیش‌بینی و درست نبود. هنگامی که یگانها از مواضع خود گزارش می‌دادند، جواب قرارگاه چنین بود:

«به پیشروی به طرف جلو ادامه دهید!». این دلیلی است بر اینکه رهبری عراق احساس می‌کرد اوضاع در ایران خیلی از هم پاشیده است و اینکه مسأله سقوط رژیم تنها نیاز به زمان دارد.»<sup>۴</sup>

(۵) آرایش نامناسب نیروها در جبهه وسیع

بزرگترین اشتباهی که فرماندهی عراق در حمله به ایران مرتکب شد، آرایش دادن واحدها در جبهه‌ای که از شمال قصرشیرین تا آبادان امتداد پیدا می‌کرد، بود. «این جبهه در مقایسه با حجم واحدهای موجود آن خیلی وسیع است» در صورتی که «فرماندهی می‌بایست به جای پراکنده کردن و گسترش ۵ لشکر در جبهه مندلی، خانقین، قصرشیرین، آنهارا به جبهه جنوبی عملیات و به همراه واحدهای لشکر سوم

که هدفهایش دزفول، اهواز و آبادان بود، بکشاند»<sup>۱</sup>

این مسأله سبب گردید عراق نیروی ذخیره و احتیاط مناسب برای پشتیبانی از محورهای مختلف را در اختیار نداشته باشد. شکست عملیات عبور از رودخانه بهمنشیر به دلیل تأخیر در رسیدن نیروهای ذخیره و احتیاط بود.<sup>۲</sup>

(۶) هجوم به شهرها

«عراق در تصمیمش دایر بر حمله به شهر خرمشهر مرتکب بزرگترین اشتباه شد. این مسأله با توجه به آگاهی قبلی اش دایر بر عدم تجربه در جنگ شهرها صورت گرفت.» جنگ شهر، چند مشکل اساسی شامل «جداسازی نیروهای داخل شهر، هماهنگی واحدها، حفظ و نگهداری مقاومت جبهه، تعیین جهت پیشروی»، پاکسازی مناطق تحت کنترل" داشت. به همین دلیل «یگانهای عراقی در جنگ شهرها دچار مشکل، و متحمل تلفات و خسارات زیادی شدند».<sup>۳</sup> این معضل به گونه‌ای بود که عوارض نامطلوبی را برای عراقیها بر جای نهاد:

«جنگ شهرها جزء سخت‌ترین عملیاتهای این نیروها بود که تلفات سنگینی به آنها وارد ساخت، بطوری که حالت یأس و عدم اعتماد به نفس را در آنها به وجود آورد و تبدیل به نیروهای معمولی شدند که فرقی بین آنها و نیروهای دیگر پیاده وجود نداشت. این نیروها روحیه مقاومت و پایداری را از دست دادند بطوری که به مجرد احساس حمله از طرف نیروهای اسلام پابه فرار گذاشتند».<sup>۴</sup>

تجزیه و تحلیل اسیران بیانگر این مفهوم است که اطلاعات عراق از اوضاع داخلی ایران دایر بر «ضعف نظامی و از هم گسیختگی سیاسی» فرصت مناسبی را در اختیار رهبران عراق قرار می‌دهد تا باتکیه بر توانمندی نظامی خود در تهاجم غافلگیرانه به یک پیروزی سریع و درخشان دست یابند. واقعیات صحنه نبرد ضعفهای نظامی عراق را در سطوح مختلف شامل: ارزیابی غلط نسبت به توانایی ارتش عراق، عدم توجه مناسب فرماندهان، و ناتوانی در هدایت و فرماندهی نیروها، هدفگذاری غلط و عدم پشتیبانی مناسب از محورهای عملیاتی سبب گردید تنها یک هفته پس از آغاز تجاوز، صدام پیشنهاد آتش بس ارایه نماید.

۱- همان

۲- همان

۳- همان

۴- همان

### ۳- نظریه ارتش جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>

«ارایه اطلاعات نادرست» از سوی امریکا و اسرائیل به صدام در مورد «وضع آشفته داخلی ایران و ناتوانی نیروهای مسلح کشور» به عنوان منشا تشویق و ترغیب عراق برای تجاوز به ایران مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

اهداف عراق از این تهاجم با توجه به سابقه درگیریها و چگونگی آغاز و پایان آن در زمان رژیم گذشته، فراتر از یک هدف مرزی قلمداد و چنین تحلیل شده است که عراق در پی دستیابی به اهداف توسعه‌طلبانه در منطقه و جهان و تجزیه ایران<sup>۳</sup> بوده است.

در بررسی رخدادهای نیمه اول سال ۵۹ توضیحات ارائه شده در این کتاب نشان‌دهنده غافلگیری ایران در برابر عراق است. در بررسی تداوم تجاوزات مرزی عراق در ص ۶۸ با اشاره به «جلو آوردن توپخانه و ثبت تیر بر روی هدفهای آتی»، از سوی عراقیها در شهریور ۵۹، این عمل از نظر نظامی به معنای «قریب الوقوع بودن حمله دشمن»، ارزیابی شده است. سپس به گزارش لشکر ۹۲ زرهی استناد شده است که در شهریور ۵۹ این لشکر بر اساس گزارشهای دریافتی، حمله عراق به خوزستان را قطعی دانست و لذا به یگانهای خود دستور آماده باش کامل صادر کرد.<sup>۴</sup>

در همین زمان (۲۳ شهریور ۵۹) گزارشهای ارسالی از پاسگاه‌های ژاندامری در پلائیه و سایر مناطق نیز مؤید احتمال حمله دشمن بود، لذا درخواست جابجایی و انتقال نیروهای نظامی به جلورا مطرح کردند؛<sup>۵</sup> از دهه سوم شهریور دستور اشغال مواضع پدافندی حوالی

---

۱- در مورد مسائل جنگ اساساً سه تحلیل یا نظریه متفاوت در بین برادران ارتش قابل مشاهده است. «نیروهای علمياتی»، «ستادی» و «آموزشی» هر یک دیدگاه‌های خاص خود را دارند ولی در اینجا با استناد به کتابهای منتشره از سوی سازمان سیاسی- عقیدتی ارتش جمهوری اسلامی ایران که بنظرمی‌رسد سایر نظرات را در برمی‌گیرد، نظریه ارتش جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

۲- نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس. جلد اول تألیف سرتیپ ۲ بازنشسته محمدجوادی پور، سرتیپ ۲ علی‌نیکفرد، و سرهنگ ستاد بازنشسته یعقوبی، بهار ۷۲ ص ۴۵-۴۶

۳- همان ص ۵۲      ۴- همان ص ۶۹      ۵- همان ص ۷۱

مرز به یگانهای تابعه لشکر ۹۲ در شرایطی صادر شد که از یکسو «نیروی زمینی در آن شرایط سخت پس از انقلاب» بود و از سوی دیگر پاسگاه‌های مرزی اصولاً شرایط پدافندی مناسبی برای نیروهای نظامی نداشتند و گسترش نیرو به عنوان موانع پدافندی در آنها اشتباه محض بود.<sup>۱</sup>

در ادامه توضیح مشکلات لشکر ۹۲ برای پدافند در برابر دشمن در منطقه جنوب ضعیف مهندسی و<sup>۲</sup> سایر کاستیهایی که در این زمینه وجود داشت مورد اشاره قرار می‌گیرد و سپس در یک جمع‌بندی آمده است.

«علاوه بر کاستیهای یاد شده یگانهای پدافندی جمهوری اسلامی از نظر ایجاد موانع و میدانهای مین نیز با دشواری عمده‌ای روبرو بودند و با عدم پیش‌بینی بموقع و نبودن وقت امکان احداث میدانهای مین لازم، که بتواند مانع پیشروی یگانهای عراق بخصوص واحدهای زرهی آن گردد، یا قادر به کند کردن و کانالیزه نمودن آنها شود وجود نداشت.<sup>۳</sup>»

بر اساس توضیح‌ارایه شده در این تحلیل، غافلگیری ایران در برابر عراق سبب گردید زمان و شرایط مناسب برای مین‌ریزی و ایجاد موانع و در نتیجه «جلوگیری از پیشروی یگانهای عراقی» «و یا کند و کانالیزه کردن» آنها فراهم نشود. برپایه این تحلیل در واقع چنین به نظر نمی‌رسد که پیشروی نیروهای عراقی طبیعی و مهار و کنترل آن عملاً امکان‌پذیر نبوده است. در ادامه بحث برای ترسیم برتری عراق بر ایران با مقایسه توان رزمی نیروهای مسلح ایران با عراق سعی شده است علل پیشروی نیروهای عراقی با تأکید بر کاهش توان نظامی ایران توضیح داده شود. در این قسمت مسائلی همچون، تقلیل پرسنل کادر ارتش، کم شدن خدمت نظام وظیفه، لغو<sup>۴</sup> قراردادهای خرید برخی تجهیزات، انحلال<sup>۵</sup> پاره‌ای از قسمتها و

۱- همان ص ۷۱ و ۷۰ ۲- همان ص ۷۲ ۳- همان ص ۷۲

۴- با توجه به تجهیزات خریداری شده از سوی رژیم شاه و موجودی انبارها که اطلاع کامل نسبت به آنها وجود نداشت در آستانه جنگ تأثیر تعیین‌کننده بر کاهش توان رزمی ارتش جمهوری اسلامی ایران نداشته است. در این مورد نگاه کنید به فرمایشات مقام معظم‌رهبری که در تاریخ ۷۵/۷/۱ در روزنامه اطلاعات ضمیمه به چاپ رسیده است. ۵- لشکرگارد شاهنشاهی و واحد ضد اطلاعات از جمله یگانها و قسمتهائی است که با پیروزی انقلابی اسلامی منحل

واحدهای نظامی ارتش، فراخوانی وابسته‌های نظامی ایران از کشورهای خارجی<sup>۱</sup> و برخی از مسائل دیگر به عنوان عوامل مؤثر در کاهش توان رزمی نیروهای مسلح ایران مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین تأکید شده در همین شرایط برخی از گروه‌ها نیز شعار «انحلال ارتش» را سر می‌دادند؛ در حالی که عراقیها با تبلیغات فراوان پیرامون قادسیه، افزایش بی رویه خرید تجهیزات، تقویت نیروها در مرز ایران، ایجاد میدانهای مین<sup>۲</sup> نیروهای ذخیره، انجام تغییرات در آموزش و برخی اقدامات دیگر، از برتری قابل ملاحظه‌ای نسبت به ایران برخوردار بودند.<sup>۳</sup>

چنانکه اشاره شد مقایسه توان رزمی ایران و عراق و تأکید نسبت به برتری فوق العاده توان رزمی عراق در برابر ایران و برخورداری این کشور از آمادگی کامل برای تهاجم غافلگیرانه به ایران، بدین منظور انجام گرفته است تا علل پیشروی اولیه عراق در عمق مناطق مرزی محاصره و اشغال برخی از شهرها، توضیح داده شود؛ در عین حال در توضیح علل ناکامی عراق در پیشروی اولیه طی یک جمع‌بندی آمده است:

«اگر چه مقاومت و پایداری نیروهای ایران در مقابل یورش لشکرهای مجهز و آماده عراق نتوانست از تجاوز دشمن جلوگیری نماید ولی تحمل فشارهای اولیه و مقاومت نیروهای موجود، ارتش عراق را که قصد داشت سه روزه به هدفهای خود در خوزستان دست یابد به تأمل واداشت تا در محاسبات و برآوردهای خود تجدید نظر نماید. ارتش عراق متوجه گردید که ارزیابیهایش در مورد ناتوانی و ضعف ارتش ایران صحیح نبوده و باید به عوامل دیگری که در بالا بردن مقاومت ارتش ایران مؤثر است توجه نماید. در همان روز اول درک کرد که ارتش ایران تصمیم گرفته از شرف و حیسیست مکتبی و ملی خود دفاع نماید»<sup>۴</sup>.

---

ادامه پاورقی از صفحه قبل

شد. ۱- همان ص ۶۴

۲- البته استفاده از مین «بیشتر با هدف دفاع صورت می‌گیرد لذا عراقیها به عنوان مهاجم نیازی به استفاده وسیع از مین نداشتند ضمن اینکه در ارزیابی توان نظامی ایران به نتیجه رسیده بودند که ایران فاقد توان رزمی کارآمد است و لذا

احساس خطر نمی‌کردند. ۳- همان ص ۶۵-۶۶ ۴- همان ص ۸۶ و ۸۷

همچنین در صفحات بعد در توضیح شرایط دشوار و پیچیده‌ای که با مشاهده پیشروی نیروهای متجاوز دشمن به عمق مناطق مرزی و شهرها وجود داشت با اشاره به انتظار انتقام‌گشایی و کشوری از ارتش برای متوقف کردن دشمن و یا حمله متقابل آمده است:

«تمامی مقامات اعم از کشوری و لشکری نمی‌توانستند پذیرا گردند که بخشی از خاک مقدس کشور به دست دشمن افتاده است و تمایل همگی آن بود که تا پیشروی دشمن به عمق مناطق نرسیده است، یگانهای ارتش با حمله متقابل او را متوقف و یا به عقب برانند اما این تمایل و فکر ناشی از احساس بود و در چنان وضعیتی احساسات نمی‌توانست مشکلات منطقه نبرد را حل کند.<sup>۱</sup>»

در صفحات بعد طی یک جمع‌بندی از جنگ شش روزه با اشاره به توقف دشمن در مقابل دروازه شهرها، شامل خرمشهر، اهواز و اندیمشک، به وضعیت لشکر ۹۲ زرهی اشاره شده است که دیگر توانی برای نبرد نداشت<sup>۲</sup> در این شرایط «هنوز نیروی مردمی تشکیل نشده و سازمانی برای اداره آنها وجود نداشت» ضمن اینکه در غرب دزفول در مقایسه با خرمشهر و اهواز حضور نیروهای مردمی کمتر بود و این مسئله مشکلات لشکر ۹۲ را که در این محور بود، افزایش می‌داد.

چنانچه واضح است در این جمع‌بندی توقف دشمن در دروازه سه شهر استراتژیک جنوب به موازات به پایان رسیدن توان لشکر ۹۲ زرهی ذکر می‌شود. این عبارت به معنای تأکید بر توقف و ناکامی دشمن به عنوان حاصل تلاشهای این لشکر است؛ چنانکه در صفحه ۱۱۰ همین کتاب تقاضای صلح از سوی صدام در روز ششم مهر، به دلیل عدم دستیابی به اهداف توسعه‌گرانه و فرصت طلبانه ذکر شده و آمده است ارتش اسلام توانستند «با استعداد و توانی نابرابر ولی مجهز به قدرت ایمان و فداکاری مأموریت و وظایف خود را در پیشگاه خداوند بزرگ و ملت مسلمان ایران به انجام رسانند و دشمن را از دسترسی به هدفهای عمده و استراتژیک در استان خوزستان بازدارند تا جایی که رئیس حکومت بعث عراق ناگزیر از ارائه پیشنهاد آتش‌بس گردید».

در ص ۱۲۳ نیز آمده است تلاش نیروهای متجاوز برای «تصرف شهرهای اندیمشک

۱- همان ص ۹۵ و ۹۶ ۲- همان ص ۱۰۶

دزفول و شوش و قطع راه‌های مهم خوزستان به شمال کشور» به دلیل «اینار و فداکاری نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران ناکام ماند».

در این نظریه در عین حالی که نقش نیروهای مردمی به دلیل «نداشتن سازماندهی در شهرها» عملاً نادیده انگاشته می‌شود ولی عدم حضور آنها در منطقه غرب کرخه در مقایسه با اهواز و خرمشهر به عنوان یکی از مشکلات لشکر ۹۲ زرهی در غرب رودخانه کرخه، مورد اشاره قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> در واقع تأکید بر نقش ارتش و نادیده گرفتن نقش و تأثیر نیروهای مردمی در مقابله با دشمن، به عنوان بخشی از توان نظامی ایران در سایر منابع منتشره از سوی ارتش نیز مورد تأکید قرار گرفته است چنانکه در نقد جزوه منتشره از سوی اداره آموزش سماجا در همین زمینه آمده است:

«عامل اصلی توقف حمله دشمن که برابر سوابق موجود در چندین مرحله اجراء همواره ناکام مانده و به کارگیری کلیه توان ارتش شامل نیروی هوایی قهرمان و ناوگان هلی‌کوپتری نزاچا که به علت عدم آسیب‌پذیری در طول انقلاب کماکان چهارمین قدرت جهان محسوب می‌گردیدند و باحملات مداوم و شکار تانک و ترکیب قدرت آتش آن با حجم عظیم آتش توپخانه که در هر مرحله به صورت سد آتش متجلی می‌گردید و همچنین به کارگیری کلیه یگانهای زرهی و پیاده که بسرعت بازسازی و به جبهه رهسپار می‌گردید، این عمل میسر شد»<sup>۲</sup>.

در همین جزوه در جای دیگری در توجیه علل پیشروی نیروهای متجاوز، برتری توان عراق در برابر ایران به نسبت ۱۰ به ۱ مورد استناد قرار گرفته است.<sup>۳</sup>

برخلاف این دیدگاه برادران نیروهای زمینی ارتش طی جمع‌بندی از توقف دشمن مسائل را به گونه‌ای دیگر طرح کرده‌اند. در مقدمه کتاب دفاع مقدس<sup>۴</sup> منتشره از سوی نیروی زمینی

۱- همان ص ۱۰۶

۲- خرده‌نقد کتاب از خونین شهر تا خرمشهر - اداره آموزش ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران - ۷۲ - ص ۲

۳- همان

۴ نظر به اینکه اساساً طبقه‌بندی کتاب به دلیل آمار و ارقام مندرج در متن کتاب است و در مقدمه تنها کلیات ادامه پاورقی در صفحه بعد

ارتش جمهوری اسلامی ایران آمده است: «عراق در اولین ضربه نظامی قدمهای مهمی برداشت، ولی به اهداف خود نرسید. ارتش عراق نه موفق به اشغال آبادان و اهواز شد و نه توانست ارتباط خوزستان را با مرکز و یا حتی محور اهواز به دزفول را قطع نماید. نیروهای عراقی در ابتدای تک سراسری در اشغال خرمشهر نیز جزء هدفهای اولیه عملیات نظامی آنان بود، در مقابل مقاومت مردم عاجز ماندند»<sup>۱</sup>.

در ادامه ضمن اشاره به عدم آمادگی رزمی ارتش آمده است:

«همان مقدار مقاومت‌های انسجام نیافته در مرز برای ایجاد تأخیر در پیشروی دشمن

مؤثر افتاد.»

سپس تأکید شده است، علی‌رغم همه مصائب و مشکلات موجود ارتش جمهوری اسلامی ایران «اولین مرحله عملیات نیروهای خودی» یعنی «سد نمودن پیشروی و تثبیت یگانهای متجاوز» با تلاش و ایثارگریهای فرماندهان و پرسنل یگانهای این نیرو و یگانهای ژاندامری، شهربانی و با پشتیبانی مؤثر نیروی هوایی و هوا نیروز و همچنین با حضور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در آن زمان نیروی انسجام یافته نظامی نبود، بیشتر به صورت نیروی انتظامی و امنیتی در داخل کشور عمل می‌کرد و با همکاری نیروهای مردمی و بسیج خاتمه یافت»<sup>۲</sup>.

#### ۴- نظریه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی<sup>۳</sup>

ادامه پاورقی از صفحه قبل

گفته شده است لذا این بخش از مقدمه کتاب برای بیان دیدگاه برادران نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مورد بهره‌برداری قرار گرفت. ۱- همان ۲- همان

۳ در سپاه مراکز متعددی وجود دارد که درباره مسائل جنگ علاوه بر تحقیق و بررسی، مطالب رانیز منتشر می‌کنند. در اینجا تنها به منابع منتشره از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ که از خرداد سال ۶۰ تاکنون به ثبت و ضبط تاریخ جنگ اشتغال دارند و آثار متعددی را تألیف و منتشر کرده‌اند، استناد شده است. لازم به ذکر است که فرماندهی محترم سپاه و سایر فرماندهان نیز نظراتی در این زمینه دارند که تاکنون به شکل منسجم و منظم ارائه شده است ولی اسناد و مدارک آن در دوره عالی جنگ سپاه موجود است.



هسته مرکزی نظریه سپاه در مورد علل شکست دشمن، که بخشی از آن در کتابهای «گذری بر دو سال جنگ» و «از خونین شهر تا خرمشهر» منعکس شده است، ناظر بر این مفهوم است که به دلیل نابسامانیهای سیاسی- نظامی در آستانه جنگ<sup>۱</sup> و درک دشمن از این وضعیت بر پایه اطلاعات واصله از امریکا، عربستان و عناصر فراری و ضد انقلابی ارتش، سبب گردید، عراق در چارچوب سیاستهای امریکا و بر اثر همسویی منافع، برای تهاجم به ایران اقدام نماید.<sup>۲</sup>

پیشروی نیروهای متجاوز به عنوان یک واقعیت غیر قابل انکار علاوه بر توان و برتری قابل ملاحظه عراق و برخورداری از حمایت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای عمدتاً به دلیل وضعیت داخلی ایران ارزیابی شده است. وضعیت نابسامان ارتش و تلاشهای مزورانه بنی‌صدر در بهره‌برداری از ارتش و ممانعت از ایجاد تحول و تشکیل ارتش اسلامی،<sup>۳</sup> درگیری سپاه با ضد انقلاب و عدم تناسب استعداد و سازمان و تجهیزات سپاه با مأموریت دفاع در برابر تهاجم خارجی در جنگ منظم<sup>۴</sup> و عدم انسجام در سازماندهی و فرماندهی نیروهای بسیج،<sup>۵</sup> مانع از افزایش کارآمدی نظامی ایران برای بازدارندگی دشمن از تجاوز و یا ممانعت از پیشروی نیروهای عراقی شد.

متقابلاً «نقش شهادت طلبی» در ظهور «حماسه خرمشهر» و مقاومت در آبادان به عنوان «عوامل اصلی جلوگیری از پیشروی دشمن با حضور نیروهای مردمی» ذکر شده است.<sup>۶</sup> به موازات اهمیت و تأثیر نقش مردم در مقاومت و ممانعت از پیشروی دشمن در مناطق جنگی، نقش مردم در تدارکات و پشتیبانی جبهه‌های نبرد نیز مورد توجه قرار گرفته و آمده است:

« اگر کمک مردم در همه ابعاد» بخصوص در اوایل جنگ نبود نه تنها با مشکل

---

۱- از خونین شهر تا خرمشهر- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه- خرداد ۷۳- ص ۶۲

۲- از خونین شهر تا خرمشهر- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه - خرداد ۷۳ ص ۲۱ و ۲۲

۳- گذری بر دو سال جنگ- دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی- ص ۵۹- از خونین شهر تا خرمشهر- ص ۶۱

۴- از خونین شهر تا خرمشهر ص ۶۰ همان. ص ۶۱

۶- گذری بر دو سال جنگ - دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی- ص ۶۷ و ۶۸

بی‌غذایی و بی‌لباسی روبرو می‌شدیم بلکه از اینها مهمتر، خطر از بین رفتن روحیه بود که در صورت عدم حضور فعال مردم در صحنه، بشدت قابل به وجود آمدن بود که در این صورت بایستی منتظر رشد فرهنگ تسلیم‌طلبی و در نهایت دچار شکست و انهدام می‌شدیم»<sup>۱</sup>.

در کتاب از خونین شهر تا خرمشهر نیز با تأکید بر نقش نیروهای مردمی در مقابله با دشمن آمده است:

«تهاجم همه‌جانبه دشمن در ۳۱ شهریور و بسیج ملی در کشور به‌منظور مقابله با متجاوزین، موجب گردید تا عملاً "هرگونه ضعف و کاستی که در نیروهای مسلح کشور وجود داشت، در مقابل پیدایش وضعیت جدید تا حدودی، جبران شود. طی این روند، به دلیل نبودن کارایی سیستم کلاسیک نظامی کشور و نیز نبودن فرماندهی متمرکز توانا در به کارگیری نیروها، مقاومت اساسی در برابر متجاوزان، بیشتر در شهرها و با اتکا بر نیروهای مردمی و انقلابی شکل گرفت. در سایر مناطق، تلاش عمده‌ای که منتهی به توقف دشمن بشود، صورت نپذیرفت»<sup>۲</sup>.

#### ۵- نظریه کارشناسان و محققان

در این بخش نظریات سه تن از کارشناسان صاحب‌نظر، بررسی شده است که به ترتیب عبارتند از آنتونی کردزمن، افرایم کارش و عبدالحلیم ابوغزاله.

#### الف: بررسی نظریه آنتونی کردزمن<sup>۳</sup>

کردزمن در میان تئوریهای مختلفی که در مورد وقوع جنگ ایران و عراق وجود دارد، بیش از همه بر نقش «انقلاب» در تغییر مناسبات میان دو کشور و فراهم شدن زمینه، درگیری نظامی تأکید می‌کند. برپایه همین نظریه معتقد است «به قدرت رسیدن ناگهانی (امام) خمینی رژیم را در ایران بر سر قدرت آورد که خطرات سیاسی آن برای عراق بسیار بیشتر از

۱- همان - ص ۶۸ و ۶۹

۲- همان ص ۶۳

تهدیدات شاه بود»<sup>۱</sup> وی سپس می‌نویسد:

«عراقیها امیدوار بودند که انقلاب، ایران را شدیداً تضعیف کرده باشد. لذا این را فرصتی برای سلطه بر خلیج (فارس) و پایان دادن به حوادث فعلی ایران که تنها زبان زور می‌فهمد می‌پنداشتند».<sup>۲</sup> یک سال پس از سقوط شاه بسیاری از بخشهای کشور در آتش جنگ داخلی می‌سوخت... اغتشاشات داخلی ایران حکومت (امام) خمینی را پیش از آنچه واقعیت داشت آسیب‌پذیر نشان می‌داد».<sup>۳</sup>

کردن، علاوه بر اهداف برای بر خوداری از رهبری جهان عرب معتقد است، صدام در تهاجم به ایران به دنبال «متلاشی کردن توان نظامی ایران»، «فراهم‌سازی شرایط لازم برای سقوط حکومت (امام) خمینی» و اشغال یا آزادسازی استان نفت خیز و کلیدی خوزستان ایران» بوده است.<sup>۴</sup>

وی در مقایسه توان رزمی ایران و عراق و بررسی میزان آمادگی ایران بر این باور است که به دلیل تحولات انقلابی، بویژه تصرف لانه جاسوسی، فرایند ایجاد نیروهای انقلابی با تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی آغاز شد و در نتیجه امکان بازسازی نیروهای ارتش را تحت تأثیر قرار داد.<sup>۵</sup>

نویسنده پس از بررسی «نداشتن آمادگی جنگی ایران» علاوه بر وضعیت عمومی کشور، چند مورد دیگر را بعنوان شاخص بررسی کرده است که عمده‌ترین آن عبارت است از «نبودن قرارگاه فرماندهی عملیات در مناطق مرزی»، «عدم استواری واحدهای نظامی عمده در طول ۴۵۰ مایل» مرز مشترک دو کشور و همچنین «عدم آرایش نظامی در مناطق حساس نزدیک خرمشهر و آبادان».

کردن سپس می‌نویسد:

ارتش عراق در طول یکی دو روز اول جنگ با مقاومت زیادی روبرو نشد، بنابراین

---

۱- درسهایی از جنگ مدرن - جلد دوم - جنگ ایران و عراق - نوشته آنتونی لرد کردزمن - ترجمه حسین یکتا - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه - سال ۷۳ - ۲- همان

۳- درسهایی از جنگ مدرن - جلد دوم - جنگ ایران و عراق - نوشته آنتونی لرد کردزمن - ترجمه حسین یکتا - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه - سال ۷۳ - ۴- همان

۵- همان

تمامی شواهد حکایت از این دارند که این عراق بوده است که با آمادگی و به کارگیری نیروهای نظامی تهاجم همه جانبه‌ای را علیه ایران سازمان داد، در حالی که ایران حتی از آمادگی دفاعی کاملی برخوردار نبود.<sup>۱</sup>

در اینجا تاکید کردیم بر عدم آمادگی دفاعی ایران بیش از اینکه برای اثبات متجاوز بودن عراق بیان شده باشد، بیشتر به منظور توصیف تأثیرات ناشی از انقلاب در قطع مناسبات با آمریکا و غرب و تضعیف بینه دفاعی ایران، مورد بررسی قرار گرفته است.

کردن در کتاب خود علی‌رغم توضیح در مورد فراهم بودن و زمینه‌های وقوع جنگ در عین حال معتقد است «وقوع جنگ» تمام عیار بین دو کشور اجتناب ناپذیر نبوده است.<sup>۲</sup> وی معتقد است اختلاف و درگیری میان ایران و عراق در مرحله جدید هیچگاه شدیدتر از درگیریهای اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ نبود لذا امکان عدم استفاده از نیروهای نظامی در منازعات وجود داشته ولی مورد توجه قرار نگرفته است.<sup>۳</sup>

کردن پس از توضیح چگونگی آغاز تهاجم عراق در بررسی علل شکست اولیه عراق مسائل متعددی را بررسی و تجزیه و تحلیل می‌کند که مهمترین آن تأکید بر «عدم تجزیه و تحلیل صحیح از سوی عراق در تهاجم به یک کشور انقلابی است:

«به نظر می‌رسد عراق، تجزیه و تحلیل درستی از نتیجه آغاز تهاجم به کشوری که در دوران انقلاب قرار داشته، نداشته است. احتمالاً آنها تصور می‌کردند که تهاجم به ایران به جای متحد کردن مردم این کشور به دلیل پایگاه قدرت نخبگان و رهبران قومی که پیش از انقلاب وجود داشت به تشدید و بروز شکاف بین آنها منجر می‌گردد؛ حتی برخی از رهبران بلند پایه عراق در خلال مصاحبه خود در اواخر جنگ اعتراف کردند که آنها هرگز تصور نمی‌کردند نتیجه صرف حمله به ایران، بروز قیام عمومی در حمایت از (امام) خمینی باشد».<sup>۴</sup>

کردن همچنین عوامل دیگری را در ناکامی اولیه عراق ذکر می‌کند:

۱- عدم برخورداری صدام از قابلیت و شایستگی نظامی و بی‌توجهی وی به توصیه‌های نظامی در سالهای اولیه جنگ.

۱- همان

۲- همان

۳- همان

۴- همان

۲- عدم هماهنگی حملات هوایی و تهاجم زمینی که منجر به از دست دادن امتیاز غافلگیری و برخورداری از نیروهای برتر، در برابر ایران شد.

۳- ناتوانی و عدم برنامه‌ریزی برای جنگ در مناطق شهری و عدم محاسبه دقیق نسبت به میزان مقاومت مؤثر ایران در این مناطق.

۴- عدم ارزیابی صحیح نسبت به آسیب‌پذیریهای ارتش عراق و میزان توانائی ایران برای بهره‌برداری از آن.

کردن در ارزیابی خود و واکنشهای دفاعی اولیه ایران را در مقایسه با ارزیابیهای پیشین، قابل توجه و مؤثر قلمداد می‌کند، لیکن این وضعیت را تنها به عنوان ضعفها و کاستیهای ارتش عراق مورد تأکید قرار می‌دهد و به هیچ وجه سرفصل یا بخشی از مندرجات کتاب خود را به بررسی نقاط قوت نظامی ایران اختصاص نمی‌دهد. وی در مورد واکنش اولیه دفاعی ایران می‌نویسد:

«ایران با بسیج تعدادی زیاد از داوطلبان جدید مردمی و واحدهای بشدت پراکنده و فاقد سازماندهی ارتش و نیروهای انقلابی و سرعت بسیج شده، به مقابله با تجاوز عراق برخاست<sup>۱</sup>».

کردن در جای تأکید بر میزان توانائی ایران برای سازماندهی و مقابله مؤثر در برابر نیروهای عراق معتقد است:

«تعلل نیروهای عراقی، به ایران فرصت داد تا تعداد زیادی از نیروهای ذخیره انقلابی را فراخوانده به منطقه جنگی اعزام نماید. همچنین به ارتش و نیروهای انقلابی ایران زمان لازم را برای حضور در خط مقدم و ایجاد خطوط دفاعی و سنگر گرفتن در آن را داد».

در واقع کردن در نقطه ثقل در ناکامی عراق را «تعلل» آنها در پیشروی و بهره‌برداری از فرصتها دانسته بدون اینکه توانائی نیروهای ایران را برای بهره‌برداری از ضعفهای عراق، به عنوان یک عنصر فعال و پویا مورد شناسایی و تأکید قرار دهد. وی همچنین در توضیح بیشتر نسبت به علل ناکامی عراق معتقد است عراقیها نسبت به «اهمیت سرعت عمل و

حرکت و مانور جنگی در دستیابی به اهداف» و درک صحیح از میزان سرعت عمل ایران در سازماندهی مقاومت مؤثر ناتوان بودند:

«فرماندهی عالی عراق به نظر سرعتی را که ایران می‌توانست مقاومت مؤثری را سازماندهی کند به طور فاحشی کم برآورد کرده بود و در درک ضرورت رعایت اصل غافلگیری و حرکت همزمان در جناحین و دور زدن مقاومت‌های اولیه که با آن مواجه می‌شد، ناتوان بود».

کردن در یک جمع‌بندی نهایی مجدداً با تأکید بر ناتوانی نظامی عراق در بهره‌برداری از پیروزیهای اولیه، با ایجاد سؤال نسبت به این اقدام مبهم عراق می‌نویسد:

«عراق در بهره‌برداری از پیروزیهای اولیه خود در جنگ زمینی ناکام بود و تقریباً به دنبال پنج روز نفوذ و رخنه اولیه در خاک ایران متوقف شد. دلایل دقیق این توقف ارتش عراق مشخص نیست. عراق در این زمان ادعا کرد که حملاتش را به این دلیل متوقف کرده که اهدافش محدود بوده است. این احتمال بسیار بعید بنظر می‌رسد با این حال محتمل است که عراق حمله‌اش را صرفاً به دلیل بی‌نظمی و ناهماهنگی در سطح فرماندهی متوقف کرده باشد».<sup>۱</sup>

همان گونه که پیش از این اشاره شد، کردن در بررسی خود بیشترین توجه را بر پایه ضعفها و کاستیهای ارتش عراق در سطوح فرماندهی، آرایش نظامی، کنترل و هدایت، هدفگذاری، بهره‌برداری از فرصتها و عواملی از این قبیل، قرار داده است بدون اینکه هیچگونه اشاره روشن و آشکاری را نسبت به تواناییهای نظامی ایران در رویارویی با نیروهای عراق، انجام و مورد توجه قرار دهد.

#### ب: بررسی نظریه افرایم کارش<sup>۲</sup>

افرایم کارش معتقد است علی‌رغم اختلافات نسبتاً پایداری که میان ایران و عراق وجود دارد و هرکدام به تنهایی می‌توانند بروز هرگونه درگیری را توضیح دهند، اما مجموعه این دلایل به تنهایی نمی‌تواند علل وقوع یک جنگ خاص، شامل تهاجم عراق به ایران را تشریح

۱ و ۲- همان

نماید. همچنین این عمل «نمی‌تواند ما را به درک اهداف استراتژیهای سیاسی و نظامی که طرفین متخاصم دنبال می‌کنند، راهنمایی کند»<sup>۱</sup>.

نویسنده مقاله همچون کردزمن براین باور است که «انقلاب ایران و تشکیل دولت جمهوری اسلامی موجب دگرگونی اساسی روابط استراتژیکی ایران با عراق شد»<sup>۲</sup>. وی سپس ایران را به «تشویق عراقیها برای شورش علیه رژیم بعثی و سرنگونی آن» متهم می‌کند<sup>۳</sup> همانند رژیم عراق، ترور نافرجام طارق عزیز نخست وزیر وقت عراق را به ایران نسبت می‌دهد و «مقابلا» اقدامات عراق شامل سرکوب سازمانهای شیعیان در عراق و «اخراج ایرانیان مقیم عراق» «تشکیل جبهه متحد خلق عرب در خوزستان» و حمایت از عناصر جدایی طلب را به منزله تلاش ضروری عراق برای «رویارویی با فشارهای ایران» ارزیابی می‌کند<sup>۴</sup> و می‌نویسد:

«بطور کلی فعالیتهای خرابکارانه ایران و بویژه ادامه زدوخوردهای مرزی، مقامات عراقی را وادار به این نتیجه‌گیری نمود که چاره‌ای جز توسل به نیروی نظامی برای پاسخ جدی به تهدید ایران ندارد»<sup>۵</sup>.

نویسنده با مقایسه اهداف ایران در زمان شاه و بعد از آن، تأکید می‌کند، «تحقق اهداف شاه برای عراق لزوماً گران تمام شد، لیکن او در پی برانداختن رژیم بعثی و مداخله در امور داخلی عراق نبود»<sup>۶</sup> اما «رژیم انقلابی در ایران، به عبارت دیگر یک نوع رقیب کاملاً متفاوت - عامل غیرمنطقی با ایدئولوژی ناسازگارانه - در پی دستیابی به اهداف کاملاً غیر قابل قبول از دیدگاه عراق بود»<sup>۷</sup>. به همین دلیل «عراق ترجیح داد از برتری موقت استراتژی خود بهره جسته و ایران را در برابر واقعیتهای سخت قرار دهد»<sup>۸</sup>. نویسنده در همین مقاله در بررسی «تعادل قوا

---

۱- افرایم کارش، «جنگ ایران و عراق - یک تجزیه و تحلیل نظامی» - نشریه ادلفی پیپر (ADELPHIPAPERS) -

بهار سال ۱۹۸۷ - موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن، ترجمه دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ ستاد کل

نیروهای مسلح، ص ۵

"The Iran-Iran War", ADELPHIPAPERS, 220, (Spring 1987)

۲- همان - ص ۱۲      ۳- همان ص ۱۲      ۴- همان - ص ۱۲      ۵- همان. ص ۱۳

۶- همان ص ص ۱۴      ۷- همان ص ص ۱۴      ۸- همان ص ص ۱۴

در آستانه جنگ»، شرائط را کاملاً<sup>۱</sup> به سود عراق ارزیابی می‌کنند زیرا «در تابستان ۱۹۸۰ عراق برای اولین بار طی ده سال خود را در موقعیتی یافت که تعادل قوای نظامی به نفع آن کشور متمایل شده بود. سرنگونی شاه نیروهای مسلح ایران را کاملاً<sup>۲</sup> متزلزل ساخته بود و برخی از تشکیلات ارتش از قبیل گارد شاهنشاهی و گارد جاوید منحل شدند<sup>۳</sup>». وی سپس توان نظامی ایران و عراق را با استفاده از آمار و ارقام و براساس منابعی چون سالنامه‌های موسسه بین‌المللی مطالعات فنون نظامی، بررسی استراتژی، تعادل نظامی، سالنامه مرکز جافی، «تعادل نظامی خاورمیانه» و نشریات مؤسسه تحقیقاتی برای صلح استکهلم، «سالنامه تسلیحات و خلع سلاح جهانی» و همچنین «سفارشات سلاح»، «معامله سلاح با جهان سوم» مقایسه و مورد بررسی قرار می‌دهد<sup>۴</sup>.

وی تأکید می‌کند «نیروهای ایران در سال ۱۹۸۰، قدرت پیش از انقلاب خود را کاملاً<sup>۵</sup> از دست داده و کارآیی آن بطور قابل توجهی کاهش یافته بود. مقارن شروع جنگ، نیروهای مسلح ایران از نیروهای عراق ضعیفتر بودند<sup>۶</sup>». وی برخلاف بسیاری از تحلیلگران و همچنین رژیم عراق که برتری هوایی ایران را مورد تأکید قرار می‌دهند معتقد است «تعادل نیروی هوایی نیز به نفع ایران نبود<sup>۷</sup>». در توضیح این نظر «مشکلات تدارکاتی و نگهداری<sup>۸</sup>» از سوی ایران را، ذکر می‌کند. حال اینکه در همین شرائط متقابلاً<sup>۹</sup> نیروی هوایی عراق خط مقدم خود را با تجهیزات نوین، ۱۴۰ فروند جنگنده‌های اس-۲۰ و میگ ۲۳ تقویت نموده و از سطح کارآیی عالی (حدود ۸۰ درصد در آغاز جنگ) برخوردار بود<sup>۱۰</sup>.

نویسنده در عین حال معتقد است «ارقام نمی‌تواند بیانگر ماجرای اصلی باشند» بلکه سایر عوامل همچون «کیفیت رهبری نظامی، تجربه نبرد، آموزش و نظارت فرماندهی نیز می‌توانند نقش بسزایی داشته باشند.

در توضیح دلیل آغاز حمله عراق به ایران نویسنده معتقد است صرف‌نظر از اینکه آیا صدام واقعاً معتقد به حمله قریب‌الوقوع ایران<sup>۱۱</sup> بوده و براساس آن تصمیم گرفته است یا اینکه

۱- همان ص ۱۴ و ۱۵      ۲- همان ص ۸۱ - یادداشت‌های بخش اول      ۳- همان ص ۵۱

۴- ص ۱۶      ۵- ص ۱۶      ۶- ص ۱۶

۷ در صورتی که اگر ایران در اندیشه حمله به، عراق بود مسلماً از آمادگی دفاعی برخوردار می‌شد؛ حال اینکه شواهد



به این امر اعتقادی نداشته در عین حال در مورد استراتژی عراق، با توجه به شرایط اعلام شده از سوی صدام برای پایان دادن به جنگ (در هفته اول جنگ) که شامل مواردی همچون شناسایی حقوق قانونی عراق در نواحی خشکی و آبی توسط ایران، عدم مداخله در امور داخلی عراق، پیروی از اصول برقراری روابط حسن همجواری، استرداد جزایر سه‌گانه به امارات<sup>۱</sup> بود، معتقد است، «استراتژی اولیه جنگی عراق متناسب با اهداف مورد اشاره، یک استراتژی برای یک جنگ محدود<sup>۲</sup> بوده است<sup>۳</sup>».

در ادامه مقاله همچنین به صورت تلویحی علل شکست عراق نیز مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده بر این باور است که ایران بطور کامل غافلگیر نشد زیرا از تابستان ۱۹۸۰ از تجمع قابل ملاحظه عراق در مرز اطلاع داشت و به عنوان واکنش به آن، مقدمات آماده سازی را فراهم کرده بود،<sup>۴</sup> ولی این مسأله به «مقاومت هماهنگ شده ایرانیان» در برابر قوای مهاجم منجر نشد.<sup>۵</sup> وی سپس می‌نویسد:

«به هر حال ایران نتوانست مواضع خود را تکمیل کند در نتیجه پاسداران برای

جلوگیری از پیشروی عراقیها متحمل فشار شدید عراقیها شدند.»<sup>۶</sup>

وی علت دستیابی عراق به موفقیت‌های اولیه رانشی از همین مسأله می‌داند و می‌نویسد.

«عدم هماهنگی بین قوای ایران، در کوتاه مدت مانع دفاع مؤثر این کشور شد

و در نتیجه موجبات موفقیت‌های اولیه عراق در مراحل ابتدایی جنگ را فراهم

نمود»<sup>۷</sup>

---

ادامه پاورقی از صفحه قبل

و قراین نشانگر آمادگی عراق و غافلگیری ایران است. نویسنده در مورد ادعای عراق هیچگونه توضیحی نمی‌دهد حال اینکه بررسی میزان صحت این ادعا در بحث عامل وقوع جنگ تأثیر بسزایی دارد.

۱- همان ص ۲۰

۲- نویسنده معتقد است مشخصات جنگ محدود عبارت است از «قسمت محدودی از ارتش محلی را درگیر منازعه می‌سازند، در جبهه‌های محدود نقاط مرزی انجام می‌پذیرد، حملات بیشتر علیه نیروها بوده و کمتر متوجه

اهداف حائز اهمیت است.» ۳- همان ص ۲۰ ۴- همان ص ۲۳

۵- همان ص ۲۳ ۶- همان ص ۲۳ ۷- همان ص ۲۳

در اینجا افرایم کارش ضمن توجه و اعتراف به تأثیر مقاومتها در ناکامی عراق و، پیشروی و موفقیت اولیه را متأثر از «عدم هماهنگی» این مقاومتها ذکر می‌کند. وی سپس در مورد نقش نیروهای سپاه در مقاومت شهری می‌نویسد:

«در خلال زد و خورد در مناطق شهری (بوئزه طی زد و خورد خرمشهر) بود که پاسداران به تنهایی توانستند قدرت نمایی چشمگیری داشته باشند. اراده و برخورداری آنها از نواحی پوشیده از تأسیسات ساختمانی، مشکلات عظیمی را برای قوای پیشروی کننده عراق که تمایلی برای جنگ خیابانی و تحمل تلفات نداشت، فراهم ساخت. بمبارانهای طولانی عراق نتوانست از استقرار پاسداران در ویرانیهای خرمشهر جلوگیری کند.»<sup>۱</sup>

برابر این تحلیل، نویسنده همانند کردزمن، علل ناکامی عراق را بیش از اینکه در نتایج ناشی از مقاومتها جستجو کند، در ضعفها و ناتوانیها و محاسبات غلط عراق پیگیری می‌کند و به نقل از سایر تحلیلگران و ناظران جنگ می‌نویسد: «بسیاری از تحلیلگران و ناظران جنگ معتقدند علت ناتوانی عراق در به پایان رساندن سریع جنگ، بزرگ شمردن نیروی ارتش عراق و اندک شمردن شایستگی ته مانده ارتش ایران بوده است. برپایه این نظریه، عراق با مشاهده ارقام درشت عوامل و ابزار ارتش خود دچار اشتباه شد و نواقص ارتش خود و توانایی ایران را نادیده گرفت. در بررسیهای به عمل آمده علت عمده ناتوانی عراق در استراتژی جنگ، بی لیاقتی فرماندهی نظامی عراق بوده است.»<sup>۲</sup>

در واقع «محاسبات غلط عراق در ارزیابی توانایی ارتش عراق و ناتوانی نظامی ایران» و «بی لیاقتی فرماندهی نظامی عراق» دو عامل اساسی در ناتوانی عراق برای به پایان رساندن سریع جنگ ذکر شده است. در مورد محاسبات غلط عراق در واقع نویسنده پذیرفته است که در صحنه نبرد، عناصر مؤثری ظهور کرد که بیش از این مورد توجه عراقیها قرار نگرفته بود. این رخداد که همان «مقاومت» در برابر قوای مهاجم بود، ضعفهای نهانی عراق را نیز آشکار کرد، زیرا عراقیها نتوانستند با غلبه بر آن نبرد را به سود خود خاتمه دهند.

۲- همان ص ۱۶

۱- همان ص ۲۳

### ج: بررسی نظریه ابو غزاله

عبدالحلیم ابو غزاله در مقدمه کتاب خود<sup>۱</sup>، این جنگ را به منزله یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های معاصر در جهان سوم که از تمام امکانات و توانیهای اصلی چه در صحنه سیاسی مربوط به جنگ و چه در اقدامات جنگی منطقه نبرد، بهره‌گرفته است، نام می‌برد و برخلاف کارشناسان نظامی که معتقدند این جنگ اساساً یک جنگ زمینی بوده است بر سایر ابعاد جنگ در دریا و هوا و به کارگیری موشک‌های زمین به زمین و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی تأکید می‌کند و اضافه بر آن، این جنگ را یک «جنگ نیابتی»<sup>۲</sup> می‌نامد.

وی همچنین در مقدمه کتاب در مورد هدف خود از انتشار کتاب می‌نویسد: «من کوشیده‌ام که مواضع بین‌المللی و منطقه‌ای قبل از جنگ و عواملی را که موجب بروز آن شد روشن سازم و به طور مختصر سیر حوادث آن را تا آنجا که جمع‌آوری آن از منابع مختلف برای من امکانپذیر بود بیان کنم»<sup>۳</sup>.

ابو غزاله در صفحات پایانی همین مقدمه، عبارت آنتونی کوردزمن در کتابش را نقل می‌کند که نوشته است: «جنگ عراق و ایران پیروزی نظام لائیک عراق بر نظام اسلام افراطی ایران را به اثبات رساند»<sup>۴</sup> وی با نقد این عبارت آن را یک خطای بزرگ و ظلم به اعراب و مسلمانان می‌داند و می‌نویسد، «جنگ بین فارس و عرب بود و ریشه تاریخی آن به صدها سال قبل بازمی‌گردد. من آرزو داشتم که نظام اسلامی حاکم در هر دو کشور مانع چنین جنگی شود»<sup>۵</sup>. نویسنده کتاب در بخش اول مواضع جهانی قبل از جنگ «را با ذکر یک تاریخچه از تحولات پس از جنگ جهانی دوم آغاز می‌کند و به استراتژی امریکا و شوروی در منطقه می‌پردازد و معتقد است: «استراتژی ابرقدرتها در هنگام شروع جنگ بی‌شک تأثیر زیادی بر مسیر جنگ و نتایج آن داشته است.»<sup>۶</sup> وی سپس در یک نگاه کلی تأکید می‌کند: «هدف مشترکی در استراتژی شوروی، امریکا و اسرائیل وجود دارد؛ چراکه جدایی و تفرقه اعراب

---

این کتاب از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ توسط برادر نادر نوروز شاد ترجمه شده است که بررسی

آن در این مقاله بر اساس همین متن انجام گرفته است. ۲- ص ۱۱ (۶۰۱)

۳- ص ۲ (۶۰۲) ۴- همان ص ۷۸ (۶۰۸ و ۶۰۷) ۵- همان ص ۸ (۶۰۸)

۶- همان ص ۱۶ (۶۱۶)

هم جهت با منافع هر دوی آنها را تضمین می‌کند.<sup>۱</sup> به همین دلیل و بر اثر «نتیجه این رقابت هولناک استقلال دولتهای منطقه بسیار سخت و غیر ممکن شده است.»<sup>۲</sup> نویسنده همچنین در توضیح چگونگی شروع جنگ با نقل نظر تحلیلگران در تأیید نظریاتش مسائلی را مورد اشاره قرار می‌دهد که بیشتر به ماهیت رژیم بعث عراق بر می‌گردد تا سایر عوامل:

«علی‌رغم آنچه درباره علل و عوامل اعلان جنگ توسط عراق، علیه ایران منتشر شده است، تحلیلگران سیاسی و نظامی متفقاً بر این نظر هستند که رژیم عراق به حکم طبیعت و منافعش فرصتی تکرار نشدنی یافت تا نقش ژاندارم منطقه را در خلیج (فارس) پس از شاه به ارث برد.»<sup>۳</sup>

ابو غزاله در مورد اهداف عراق «لغو قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر»، «رهبری منطقه و گسترش آن به رهبری امت عربی» و نگرهبانی آن در برابر دشمن فارسی و برخی عوامل را نام می‌برد و سپس می‌نویسد: کلیه این مسایل «صدام حسین را به این باور رساند که فرصتی تاریخی و غیر قابل تکرار برایش فرا رسیده و می‌تواند آرزوهای خود را محقق سازد، لذا عراق را وارد این جنگ نمود.»<sup>۴</sup> وی در مورد میزان آمادگی عراق برای تهاجم به ایران معتقد است:

«بدون هیچ شکی صدام حسین با سقوط شاه و آغاز انقلاب (امام) خمینی در ۱۹۷۵، به فکر حمله به ایران افتاده است و عملاً اقداماتی را نیز برای آمادگی انجام داد.»<sup>۵</sup> ابو غزاله اقدامات عراق در سطوح مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای را توضیح می‌دهد و در مورد مشروعیت بخشیدن به جنگ برای مردم عراق، «تبلیغات عراق» در مورد «حقوق تاریخی عراق بر شط العرب» [اروند رود] در «عربستان [خوزستان]» و ترساندن امت عرب و عراق از خطر ایران، «همکاری نظامی ایران و اسرائیل»، و «قصد ایران مبنی بر تأسیس امپراتوری شیعه» را مورد توجه و اشاره قرار می‌دهد. ابو غزاله در مورد وقوع انقلاب اسلامی و نتایج آن در منطقه می‌نویسد:

«از طرف دیگر وقوع انقلاب (امام) خمینی در ایران و به دست گرفتن سرنوشت کارها در ایران توسط (امام) خمینی خللی در توازن منطقه ایجاد نمود و شعار «جامعه

۱- همان ص ۱۸ (۶۱۸)

۲- همان ص ۲۰ (۶۲۰) ۳- همان ص ۲۸ (۶۲۸)

۴- همان، ص ۲۹ (۶۲۹)

۵- همان، ص ۲۹ (۶۲۹)

اسلامی» را به جای شعار «قومیت عربی» که رئیس جمهور فقید، عبدالناصر مطرح کرده بود، مطرح ساخت و چنین بنظر می‌رسید که ایران سعی در صدور انقلاب خود به دولتهای خلیج فارس دارد.<sup>۱</sup>

وی همچنین در مورد مشکلات ناشی از وقوع انقلاب اسلامی در داخل ایران و تأثیر آن در تصمیم‌گیری صدام برای تهاجم به ایران به مسائل دیگری اشاره می‌کند که قابل ملاحظه است.

«خسونت انقلاب (امام) خمینی نسبت به گروه‌هایی از مردم ایران موجب کاهش روحیه نیروهای مسلح شد و از شدت این امر، اختلافات داخلی موجود در حاکمیت نظام نیز افزایش یافت. از این مطالب چنین برمی‌آید که در زمان آغاز جنگ، اوضاع ایران به حد بسیار شدیدی وخیم بوده است و من چنین عقیده دارم که این وضع باعث تحریک صدام حسین به حمله نافرجام او و آغاز جنگ علیه ایران شد.»<sup>۲</sup>

ابوغزاله در بررسی نقاط قوت ایران بر «عمق استراتژیک ایران» «ارتش بزرگ شاه پیش از انقلاب» و «سلاحهای فراوانی که در انبارها» وجود داشت و کادرهای «آموزش دیده» و وجود نیروهای مسلح «جدید التاسیس» و نیمه آموزش دیده که از داوطلبان میلشیا تشکیل یافته بود و در آخر بر «روح انقلابی که نظام (امام) خمینی در میان مردم ایران گسترش داد و موجب ارتقای روحیه نیروهای نظامی گردیده اشاره می‌کند.<sup>۳</sup> وی همچنین در بررسی نقاط ضعف ایران، قطع صادرات سلاح به ایران از سوی آمریکا، دخالت‌های پی در پی در تمام شئون نیروهای مسلح، رقابت مستمر متحد نیروهای نظامی پیشین با نیروهای تازه تأسیس سپاه، کاهش کادر افسران و افسران ستاد در ارتش و ضعف سیستم اداری و به کارگیری بهینه امکانات موجود و همچنین مشکلات مربوط به امنیت داخلی را برمی‌شمارد.<sup>۴</sup>

ابوغزاله متقابلاً در ارزیابی نقاط قوت عراق «ثبات سیاسی و نظامی عراق» روابط خوب و پسندیده با همسایگان، تنوع تأمین سلاح عراق، «اتکای عراق به مستشاران خارجی»، بالا بودن سطح نسبی زندگی در عراق و بر خورداری از پشتوانه مالی و مادی از سوی دولتهای

۱- همان ص ۳۱ (۶۳۱)

۲- همان ص ۳۳ (۶۳۳)

۳- همان ص ۳۵ (۶۳۵)

۴- همان ص ۳۶ و ۳۵ (۶۳۶ و ۶۳۵)

خلیجی را مورد توجه قرار می‌دهد. آنچه نویسنده در بررسی ضعفهای عراق بر می‌شمارد دقیقاً عواملی است که به ناکامی اولیه عراق منجر شد؛ چنانکه در کتاب آمده است: «این کشور (عراق) مانند ایران دارای برخی عیوب بود که موجب عدم موفقیت او در حمله استراتژیک ابتدایی و همچنین در نحوه دفاع در برابر هجوم متقابل استراتژیک ایران شد.»<sup>۱</sup>

وی سپس این عیوب را توضیح می‌دهد که مهمترین آن «اوهام استراتژیک غلط و آرزوهای محال»<sup>۲</sup> در ذهن رهبری عراق است که تصور می‌کرد به دلیل وضعیت داخلی حاکم بر ایران، این کشور به سرعت شکست خواهد خورد و همین مسأله سبب گردید عراقیها باور کردند که «جنگ سریعترین راه برای کسب مقام رهبری در خلیج (فارس) و امت عربی خواهد بود.» علاوه بر این «عدم برخورداری از عمق استراتژیک» «سیاسی بودن ارتش عراق»<sup>۳</sup> ترکیب چندگانه سنی و شیعه در ارتش عراق، «عدم برخورداری ارتش عراق از آموزشهای عملی و مفید و متناسب» «ضعف در سیستم اطلاعات» عراق، تشنج در میان طوایف سنی، شیعه و کردها در عراق از جمله مسائلی است که به عنوان نقاط ضعف عراق و عوامل مؤثر در ناکامی این کشور مورد تأکید نویسنده قرار گرفته است.

#### در خاتمه:

آنچه به این مقاله مورد بررسی قرار گرفت صرفاً بررسی نظریات و دیدگاههای مختلفی بود که نسبت به اهداف و علل تهاجم عراق به ایران و ناکامی اولیه این کشور، بیان شده است. مسلماً تأیید یا نفی این نظریات مستلزم «نقد» آنها می‌باشد که بنابه دلائلی در این مقاله انجام نشده است.

همچنین در یک نگاه کلی با مقایسه نظرات ارائه شده از سوی ارتش و سپاه و کارشناسان و محققین می‌توان دریافت که در منابع خارجی تحلیلهای و نظرات ارائه شده، صرف نظر از صحت و سقم آن، از انسجام بیشتری برخوردار است.

۲- همان ص ۳۷ (۶۳۷)

۱- همان ص ۳۷ (۶۳۷)

۳- همان ۳۸ و ۳۷ (۶۳۷، ۶۳۸)

این کاستی قابل ملاحظه، ضرورت گسترش ادبیات مربوط به مسائل دفاعی بویژه سالهای  
دفاع مقدس را ضروری می‌نماید.\*

---

\* امید است در اولین فرصت و در ادامه همین بحث مقاله جداگانه تهیه و برای چاپ آماده شود.